



تفاوت اسلام‌شناسی سنتی و جدید/ غیرمسلمان می‌تواند اسلام‌شناس شود؟

محمد فناپی اشکوری گفت: عالم امروزی لازم است با علوم و فرهنگ زمانه و نیازها و مقتضیات عصر آشنا باشد تا بتواند اسلام را به زبان قابل فهم و ناظر به چالشها و نیازهای روز عرضه کند.

محمد فناپی اشکوری گفت: عالم امروزی لازم است با علوم و فرهنگ زمانه و نیازها و مقتضیات عصر آشنا باشد تا بتواند اسلام را به زبان قابل فهم و ناظر به چالشها و نیازهای روز عرضه کند.

به گزارش خبرنگار مهر، پرسش‌های بسیاری در زمینه اسلام‌شناسی مطرح و یا قابل طرح است که در یک بررسی جامع باید به همه آنها توجه کرد، پرسش‌هایی مانند: آیا شناخت اسلام یک تخصص است که افراد خاصی می‌توانند به آن دست یابند، یا برای همه افراد این شناخت ممکن است؟ آیا تنها راه شناخت اسلام تحصیل در حوزه‌های علمی است؟ آیا شناخت اسلام در انحصار قشر و صنف خاصی است؟ آیا شرط شناخت اسلام پوشیدن لباس خاصی است؟ آیا اکثر مردم باید در شناخت اسلام مقلد باشند؟ آیا یک دانشگاهی که تحصیلات جدید دارد می‌تواند اسلام‌شناس باشد؟ آیا یک غیرمسلمان می‌تواند اسلام‌شناس باشد؟ اسلام‌شناسی مستشرقین چه جایگاهی دارد؟ اسلام‌شناسی روشنفکران مسلمان را چگونه باید ارزیابی کرد؟ آیا اسلام‌شناسی درست و غلط و معتبر و غیرمعتبر دارد؟ معیار تشخیص آن چیست؟

برای شناخت اسلام دانستن چه علومی لازم است؟ آیا برای شناخت اسلام تنها دانستن علوم اسلامی رایج در حوزه‌های علمی کافی است یا آشنایی با علوم و معارف دیگر مثل علوم طبیعی، علوم انسانی، فلسفه و منطق هم لازم است؟ برای شناخت اسلام چند سال زمان لازم است؟ آیا می‌توان به شناخت کامل از اسلام دست یافت؟ برای یک مسلمان چه اندازه از شناخت اسلام لازم است؟ آیا شناخت اسلام در انحصار مردان است یا زنان هم می‌توانند اسلام‌شناس باشند؟ آیا می‌توانیم و لازم است اسلام‌شناسی سنتی را آسیب‌شناسی و نقد و اصلاح کنیم یا آنچه را که علمای گذشته به آن رسیده‌اند را باید بی‌چون چرا بپذیریم؟ و...

محمد فناپی اشکوری، استاد فلسفه و عرفان تطبیقی در پاسخ به این سوالات گفت: روشن است که پاسخ تفصیلی به همه این پرسش‌ها حداقل به یک مقاله مفصل نیاز دارد، اما در این مجال اندک فقط به چند نکته مهم و کلیدی در این زمینه اشاره می‌کنیم.

شناخت اسلام مراتب و سطوح گوناگون دارد

وی گفت: شناخت اسلام مراتب و سطوح گوناگون دارد. سطحی از شناخت اسلام برای همه مردم ممکن است. هر انسان عادی با صرف بخشی از وقت خود می‌تواند آن حداقلی از معارف اسلام از اصول و فروع دین را که برای هر مسلمانی لازم است بیاموزد، یا با مراجعه مستقیم به قرآن و حدیث و یا آموختن از عالمان دین و مطالعه آثار آنها. در احکام فقهی که تکالیف روزانه یک مسلمان است نیز عامه مردم از مجتهدان تقلید می‌کنند. اگر مسلمانی به همین مقدار از معرفت دینی اعتقاد و التزام داشته باشد اهل نجات و رستگاری خواهد بود، اما این شناخت حداقلی است و هرگز نباید به آن بسنده کرد.

حقیقت دین به دریای بیکران علم الهی متصل است

وی افزود: معارف اسلام دریای بیکرانی است که هیچگاه نمی‌توان به آن احاطه کامل پیدا کرد. اگر نابغه‌ای مثل ابن سینا هزار سال عمر کند و تمام عمرش را وقف شناخت اسلام کند، نمی‌تواند به آن احاطه کامل پیدا کند، چرا که حقیقت دین به دریای بیکران علم الهی متصل است. در احادیث آمده است که قرآن غیر از معنای ظاهری، هفت و یا هفتاد بطن دارد. قرآن کتاب تدوینی و تشریعی خداوند است، همان گونه که عالم کتاب تکوینی اوست. بنابراین، قرآن مطابق و معادل کل عالم است و شناخت آن همچون شناخت کل عالم هستی است. شناخت کامل اسلام در انحصار معصومان (علیهم السلام) است، چنانکه شناخت مصون از خطا نیز در انحصار آن حضرات است. شناخت غیر معصوم از اسلام هم محدود است و هم مصون از خطا نیست؛ یعنی همان شناخت محدودی هم که از اسلام پیدا می‌کنیم امکان خطا در قسمت‌هایی از آن وجود دارد. بنابراین، یک شناخت حداقلی داریم که برای همه میسر است و یک شناخت حداکثری که مختص معصومین است. بین این دو طیف، بی‌نهایت مراتب وجود دارد و عالم دین در بین این دو طیف قرار

دارد که خود دارای مراتب بی شمار است.

وی با تأکید بر اینکه اسلام شناسی مشروط به لباس خاص یا قشر خاص یا تحصیل در مکان خاص وابسته نیست، اظهارداشت: چنانکه جنسیت نیز در این میان نقشی ندارد و زنان نیز می توانند اسلام شناس باشند. آنچه شایان توجه است این است که شناخت عالمانه و اجتهادی از اسلام یک رشته گسترده علمی است و نیازمند نظام آموزشی و پژوهشی خاص و صرف عمر در این راه است، چنانکه در همه ادیان بزرگ مانند مسیحیت و یهودیت نیز چنین است. این نظام در طول تاریخ اسلام و به ویژه تشیع (که مورد بحث ما است) تدریجاً شکل گرفته است. این نظام در سیر تاریخی خود فراز و فرود های بسیاری داشته است، اما در کل می توان گفت حرکتی پیش رونده و دستارودهای درخشانی داشته است. لازمه این سخن این نیست که همه چیز به درستی پیش رفته و هیچ نقطه قابل نقدی وجود ندارد؛ بلکه یکی از بایسته ها در این موضوع مطالعه و بررسی این سیر و آسیب شناسی و نقد آن است تا زمینه برای رفع نواقص و کمبود ها و اصلاح و تصحیح این روند فراهم آید.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: عالمان دین زحمات بسیاری در این راه کشیده و ثرات ارزشمندی از علوم و معارف اسلامی برجای گذاشته اند که می توان به گردآوری و حفظ احادیث، تأسیس و تدوین علوم اسلامی مثل تفسیر قرآن، علم حدیث و سیره، تاریخ، علم کلام، علم فقه و اصول فقه، و عرفان و فلسفه اشاره کرد. این میراث گنجینه گرانبهائی است که ما از آن بهره مند هستیم و بر سر سفره ای که گذشتگان فراهم کرده اند نشسته ایم. البته این میراث آسان و ارزان بدست ما نرسیده است. بزرگان تاریخ ما در این زمینه رنج ها کشیده و مجاهدتها و ایثارها کرده اند، چنانکه تاریخ ما از گذشته به امروز شاهد شهادت عالمان بسیار ی بوده است. می دانیم که بزرگترین متفکران اسلامی معاصر ما آیت الله صدر و آیت الله مطهری در این راه به شهادت رسیدند. ما موظفیم با این میراث گرانبها آشنا شویم و آن را حفظ و اصلاح کنیم و به سهم خود آن را به پیش ببریم و توسعه دهیم و به دنیا معرفی نماییم.

وی با تأکید بر اینکه چون معارف اسلامی ابعاد گوناگون دارد، اسلام شناسی نیز شاخه های گوناگون دارد، گفت: بعد عقیدتی و عقلانی اسلام در کلام و فلسفه، بعد باطنی و معنوی اسلام در عرفان، بعد تشریعی اسلام در فقه، بعد تاریخی آن در علم تاریخ و بعد ارزشی آن در علم اخلاق کاوش می شود. یک عالم دین لازم است با همه ابعاد اسلام آشنا باشد تا بتواند در یک حوزه و شاخه آن اظهار نظر اجتهادی داشته باشد. برخی از علوم نیز جنبه مقدماتی و ابزاری دارند، مانند علوم ادبی و منطق.

فناپی بیان کرد: با توجه به گستردگی علوم، چون اجتهاد و احاطه به همه شعب علوم اسلامی برای یک نفر میسر نیست، لازم است عالم دین یک نگاه جامع به کلیت اسلام اعم از ابعاد اعتقادی، اخلاقی، معنوی، تاریخی و فقهی آن داشته و با آن معارف آشنا باشد و در کنار آن در یکی از شاخه های آن به صورت تخصصی و اجتهادی تمحض داشته باشد.

هر کسی از هر رشته علمی می تواند وارد اسلام شناسی شود

وی با اشاره به اینکه عالم دین امروز اگر بخواهد تأثیرگذار و منشأ تغییر مثبتی در جهان اسلام باشد نمی تواند به علوم سنتی اکتفا کند؛ تصریح کرد: بلکه باید با مسائل و مباحث ناظر به علوم انسانی و اجتماعی و زیست جمعی در دنیای امروز مثل سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت، حقوق، سبک زندگی، هنر، روابط بین الملل، جنگ و صلح و انواع چالش ها و بحران های عصر آشنا باشد. عالم اسلامی مجتهد در یک رشته اسلامی لازم است به رشته های علمی مرتبط با آن در دنیای امروز نیز آشنا باشد تا بتواند با پرسش ها و چالش ها و نیازها و ذهنیت معاصر آشنا شود و اندیشه اسلامی را ناظر به آن فضا ارائه کند. هر کسی از هر رشته علمی می تواند وارد اسلام شناسی شود و از این نظر منعی نیست، اما باید با منابع و معارف اسلامی آشنا شود و به اتکال به آن رشته علمی و دانشگاهی نمی تواند در اسلام صاحب نظر شود؛ همان طور که یک عالم دینی با اجتهاد در علوم اسلامی نمی تواند در رشته ای مثل ریاضی و فیزیک و شیمی نظر دهد، مگر اینکه آن علوم را نیز آموخته باشد.

هیچ مانعی ندارد یک دانشمند ریاضی یا طبیعی یا علوم انسانی اسلام شناس هم باشد

وی تأکید کرد: هیچ مانعی ندارد یک دانشمند ریاضی یا طبیعی یا علوم انسانی اسلام شناس هم باشد، مانند ابن سینا که هم طبیب و ریاضیدان و فیلسوف بود و هم اسلام شناس؛ یا خواجه نصیر الدین طوسی که در علوم مختلف زمانش تخصص داشت و اسلام شناس برجسته ای هم بود. آنها علاوه بر سرآمدی در رشته های علمی زمان خود، به علوم و معارف اسلامی نیز احاطه داشتند و مجتهد بودند. دانشگاهی امروزی هم اگر این گونه باشد هیچ مانعی از اظهار نظر

کردن دربارهٔ اسلام نخواهد داشت. اتفاقاً خیلی خوب هم هست که عالم دین با یکی از رشته‌های علمی زمان نیز آشنا باشد. امروزه لازم است که فقیه ما در قسمت احکام حقوقی با علم حقوق آشنا باشد و در قسمت مباحث اقتصادی با علم اقتصاد آشنا باشد و فیلسوف و متکلم ما با علوم طبیعی زمان آشنا باشند. خوشبختانه امروزه هستند کسانی که همزمان در یک رشتهٔ دانشگاهی و حوزوی مشغول تحصیل و پژوهش هستند که امیدواریم در آینده منشأ آثار خیر گردند. عالم امروزی لازم است علاوه بر منابع اسلامی و میراث تاریخی، با علوم و فرهنگ زمانه و همین‌طور نیازها و مقتضیات عصر آشنا باشد تا بتواند اسلام را در بافت امروزی و به زبان قابل فهم و ناظر به چالش‌ها و نیازهای روز عرضه کند.

فناپی با بیان اینکه مستشرقان نیز چندین قرن است که مطالعات گسترده‌ای درباره اسلام داشته‌اند، گفت: برخی از آنها به منظور مقابله با اسلام و برخی نیز از باب کنجکاوی و حقیقت‌جویی وارد این رشته شده‌اند. در کار برخی از آنها غرض ورزی‌ها و تعصب بسیار بوده است، اما تحقیقات ارزشمند هم در این باب کم نیست. ما نمی‌توانیم و نباید اسلام را از آنها بیاموزیم، اما از یافته‌های آنها و رویکرد آنها و حتی خطاهای آنها می‌توانیم نکات و درس‌های خوبی بیاموزیم. عالم امروزی باید با این ادبیات آشنا باشد. عالم دین اگر عالم به زمان نباشد نمی‌تواند چندان مفید و مؤثر باشد. افزون بر این، ما ناچاریم با صاحبان اندیشه و مکتب‌ها و ادیان دیگر گفتگو و دیالوگ داشته باشیم. لازمهٔ این کار آشنایی با آن اندیشه‌هاست.

هر اسلام‌شناسی با هر پیشینه و دیدگاهی باید نقدپذیر باشد

این استاد مؤسسه امام خمینی(ره) تصریح کرد: برای اینکه کسی امروزه بتواند به صورت موفق معارف اسلامی را تحقیق و تبلیغ کند راه بلند و دشواری را در پیش دارد، البته حوزه‌های علمی ما تا رسیدن به این سطح راه درازی را باید طی کنند و بسیاری کسانی که به مطالب فوق اعتقادی ندارند و یا به آنها توجه ندارند. نکتهٔ آخر اینکه هر اسلام‌شناسی با هر پیشینه و دیدگاهی باید نقدپذیر باشد و از نقد استقبال کند. یکی از وظایف یک اسلام‌شناس نقد و بررسی عالمانه و دور از تعصب و تنگ‌نظری دیدگاه‌ها است. در خلال این نقد و بررسی‌ها است که نقاط قوت و ضعف آشکار می‌شود و حقیقت خود را نشان می‌دهد.